

تبیین آرای تربیتی ملا احمد نراقی

نجمه احمدآبادی آرانی *

محسن فرمهینی فراهانی **

اکبر رهنما ***

پذیرش نهایی: ۹۲/۸/۱۳

دریافت مقاله: ۹۲/۷/۴

چکیده

این پژوهش به بررسی آرا و اندیشه های تربیتی ملا احمد نراقی (فاضل نراقی) می پردازد. این تحقیق از نوع نظری و روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل اسنادی، و در این جهت منابع و مراجع موجود و مرتبط با آرا و اندیشه های نراقی مورد بررسی قرار گرفته است؛ در این راستا یافته های پژوهش دلالت دارد بر اینکه از نظر نراقی تعلیم و تربیت اهمیت ویژه و جایگاه بسیار رفیعی در زندگانی انسان دارد. از نظر او اهداف تربیت شامل سعادت انسان، کسب معرفت های اخلاقی، پرورش عقل ورزی و تفکر، اصول تربیت شامل اصل کرامت ذاتی انسان، تقدم تزکیه بر تعلیم، فعالیت، تفرد و تدریج، روش های تربیتی شامل تلقین به حفظیات و تمرین و تکرار، روش مباحثه و گفتگوی علمی، روش محبت ورزی و روش الگویی (اسوه ای) است.

کلید واژه ها: تربیت و تعلیم اسلامی، اندیشه های تربیتی فاضل نراقی، اهداف تربیت در اسلام، اصول تعلیم و تربیت اسلامی، روش های تربیتی اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

najmeh.ahmadabadi@gmail.com

* کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد

farmahinifar@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

rahnama_akbar43@yahoo.com

*** استاد یار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

بیان مسئله

تحقق هدف آفرینش انسان تنها در پرتو آموزش و پرورش میسر است؛ به این منظور، خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرد و پیامبرانی را با برهانهای روشن و احکام و قوانین متین برانگیخت و رسالت سنگین تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد. از این رو آموزش و پرورش مهمترین بخش آموزه‌ها و معارف ادیان آسمانی بویژه اسلام را تشکیل می‌دهد؛ با وجود این باید اذعان کرد که هنوز، نظام تربیتی اسلام به شکل اصولی، دقیق و متناسب با نیازهای جامعه اسلامی تنظیم، تدوین و مرزهای تعلیم و تربیت اسلامی بخوبی مشخص نشده؛ چنانکه برخی آن را با اخلاق اسلامی و توصیه‌های اخلاقی یکسان می‌پندارند. برای تحقق این هدف، آشنایی با مبانی استنباط و اجتهاد در علوم اسلامی و آگاهی از نظریات تربیتی دانشمندان تعلیم و تربیت در اسلام و جهان ضروری است (صالحی و یار احمدی، ۱۳۸۷: ۲۴). در این راستا یکی از دانشمندان مسلمان ملا احمد نراقی معروف به "فاضل نراقی" است که اندیشه‌های فلسفی و تربیتی قابل ملاحظه‌ای دارد و پرداختن به نظریه‌های تربیتی او به این دلیل است که او به عنوان اندیشمند ایرانی و اسلامی، بخشی از تاریخ آموزش و پرورش این کشور را به خود اختصاص داده است که بررسی و تحلیل آرای ایشان می‌تواند در رسیدن به شیوه‌های صحیح تعلیم و تربیت مؤثر و سودمند باشد.

ملا احمد فرزند ملا مهدی مشهور به فاضل نراقی در چهاردهم جمادی الاخر ۱۱۸۵ هجری قمری مطابق ۱۱۵۰ هجری شمسی و مطابق ۱۷۷۱ میلادی در عصر کریم خان زند در نراق از روستای تابع کاشان متولد شد (استادی، ۱۳۸۷: ۲۴۳) و تا حدود بیست سالگی دروس مقدمات و صرف و نحو را در کاشان تحصیل کرد؛ سپس فقه، اصول، حکمت، کلام و فلسفه را نزد پدرش محقق نراقی فرا گرفت و دروس منطق، ریاضی، نجوم، علوم معقول و منقول و سایر علوم غریبه را در محضر استادان فن آموخت. با توجه به ذهن سرشار از پویایی و تحرک در یادگیری مسائل بسرعت پله‌های نردبان ترقی و تکامل را یکی پس از دیگری پیمود (حکیم، ۱۳۸۱: ۱۲). ملا احمد برای تکمیل دروس عالی، راهی حوزه علمیه نجف اشرف شد و از محضر استادانی همانند کاشف الغطا و بحر العلوم و میرزا مهدی شهرستانی و بهبهانی در نجف و کربلا بهره جست و با کسب درجه اجتهاد و اجازه نقل احادیث از استادان خود عازم زادگاه خود شهر کاشان شد (مؤلفی الامیه،

(۱۳۷۹)

علامه نراقی بین دانشمندان قرون اخیر از جایگاه خاصی برخوردار است. وی در علوم مختلف اصول فقه، حدیث، رجال، درایه، ریاضیات، نجوم، حکمت، کلام، اخلاق و تربیت، ادبیات و شعر سرآمد علمای زمان خود بوده است. هوش سرشار، سهولت فراگیری علوم متعدد، عمق تحقیق و وسعت تتبع و عنایات خاص الهی، او را در تاریخ دانشمندان شیعه به عنوان فقیهی کم نظیر مطرح ساخته است (رسولی، ۱۳۸۱). آثار گرانبهای علمی او در زمینه‌های گوناگون، نشانه جامعیت علمی او و از ویژگی ممتاز او در پدید آوردن این اثرهای ارزنده، پیروی و متابعت او از پدرش است؛ زیرا با تلاش او تصانیف پدرش (ملا مهدی نراقی) به دنیای علمی معرفی شد (استادی، ۱۳۸۷: ۲۴۴). ملا احمد نراقی چهارده کتاب در موضوعات اخلاق و تربیت، عرفان، اصول، فقه، شعر و متفرقات تألیف کرده است. از مهمترین کتابهای او که می‌توان آن را در زمینه تعلیم و تربیت مورد توجه قرار داد، کتاب معراج السعاده، تلخیص و ترجمه فارسی کتاب جامع السعادات پدرش ملا مهدی نراقی است؛ هم‌چنین دو کتاب طاق‌دیس و دیوان شعر فارسی او که به دیوان صفایی نراقی معروف است، دارای مطالب و اشعار اخلاقی عرفانی است که می‌توان در تبیین آرای تربیتی وی از آن استفاده کرد (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۶).

برخی پژوهشها در راستای این پژوهش عبارت است از: عاشوری (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان "نفس و انسان شناسی از دیدگاه فاضل نراقی" اذعان می‌کند آدمی از دو بعد تن و روان ترکیب یافته است. تن همان جسم متعلق به آدمی، و شناختن آن آسان است ولی نفس با حرکت استکمالی خویش به خشنودی و درک لذت معنوی دست می‌یابد و معرفت نفس را مقدمه خداشناسی و خودسازی و تهذیب نفس می‌داند. جلالی (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان "معراج السعاده در آینه تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت" اذعان می‌کند که معراج السعاده از نظر تاریخی و تفکر فلسفی زمان خود، جایگاهی ویژه و نقشی عملی در ساختار و عملکرد اخلاق فردی و اجتماعی داشته است. این اثر به نوعی دارای وزنه دلچسب از نظر فلسفی، اخلاقی و تربیتی است که با عرضه مجموعه و دیدگاه شناختی و دستورالعمل تربیتی تلاش در شناساندن انسان به عنوان موجودی متشکل و هدفمند دارد و سعی می‌کند با شناخت عناصر این مجموعه متشکل، رابطه این عناصر را ضمن عرضه تأثیر سلسله مراتبی بر یکدیگر بر مخاطبان خود باز شناسد. جمالی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان "تحلیل و آرای تربیتی ملا احمد نراقی و مقایسه آن با دیدگاه جان دیویی" اذعان می‌کند که دیدگاه نراقی در مقایسه با دیویی تفاوتها و شباهتهایی را دارد. مبنای اختلاف نظر این دو اندیشمند

در نگاه ایشان به انسان به عنوان موضوع تربیت است. نراقی انسان را موجودی مرکب از روح و جسم ولی دیویی آن را مادی محض می‌داند. با وجود این پژوهشها در راستای موضوع، همچنان بسیاری از ابعاد علمی و دیدگاه‌های تربیتی ایشان پنهان مانده، و آن‌گونه که شایسته این دانشمند مسلمان است به آرای تربیتی ایشان پرداخته نشده است؛ لذا در این زمینه سعی می‌شود دریچه‌ای بر پژوهشگران تعلیم و تربیت گشوده، و پژوهشی نسبتاً جامع در این راستا تدوین شود.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت و کیفیت این پژوهش، روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی (تحلیل اسنادی) است. در این پژوهش سعی شده است از منابع دست اول (معراج السعاده و مثنوی طاق‌دیس) و منابع دست دوم شامل (کتابهای معتبر، پژوهشهای مرتبط با موضوع تحقیق، نشریات و سایتهای اینترنتی) استفاده شود و ابزار پژوهش نیز شامل فرمهای فیش برداری است و داده‌ها نیز با استفاده از شیوه‌های تحلیل کیفی، جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش

اهداف تعلیم و تربیت

با توجه به حقیقت انسان این پرسش مطرح است که انسان به کدام سمت باید برود تا تربیتی متناسب با حقیقتش برای او به‌دست آید و اهداف تربیت انسان چگونه اهدافی باید باشد؟ چون اصولاً حیثیت عقلانی انسان اقتضا می‌کند که پیش از پرداختن به هر کاری، هدف آن کار را به دقت و به روشنی هر چه تمامتر معلوم دارد تا بتواند با توجه به هدف یا هدفهای رقم خورده، روشها و ابزار و عوامل مؤثر در رسیدن به آن هدف را فراهم کند. تعیین اهداف تربیت و حفظ اهداف در مسیر تربیت از اساسی‌ترین مسائل هر نظام تربیتی است؛ زیرا همه ساختار نظام تربیتی با توجه به اهداف آن شکل می‌گیرد و سامان می‌یابد و فراموشی هدف موجب فراموشی راه تربیت می‌شود و می‌باید پیوستگی ساختار تربیت با اهداف آن پیوسته لحاظ شود و هیچ خللی در این پیوستگی راه نیابد. در نظام تربیتی اسلام غایتی برای تربیت آدمی مطرح است و در جهت سیر بسوی آن اهداف کلی و برای تحقق اهداف کلی، اهداف جزئی (واسطه‌ای) سامان یافته است که در این بخش از نظر ملا احمد نراقی، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- سعادت انسان (هدف غایی)

در تعلیم و تربیت اسلامی، انسان به جای اینکه وسیله باشد، هدف است (تربیت انسان)؛ در این بعد، فاضل نراقی برای تعلیم و تربیت، سلسله اهداف طولی قائل است و بالاترین و نهایی ترین آنها را رسیدن به خیر و سعادت مطلق می‌داند. "باعث تعلم محض، تقرب به خدا و رسیدن به سعادات بی انتها و ترقی از مرتبه بهیمیت و دخول در عالم انسانیت باشد و مقصود او مرء و جدال یا رسیدن به منصب مال یا مفاخرات و تفوق بر امثال و اقران نباشد" (نراقی، ۱۳۸۸: ۱۰۲). ایشان غایت تربیت و غرض از تحصیل و تدریس را قرب به خدا، هدایت و رسیدن به سعادت می‌داند: "معلم در تعلیم و تربیت قصد تقرب به خدا را داشته باشد و غرض او از درس گفتن جاه، ریاست و بزرگی و شهرت و مقصودش مجمع آرای و منظورش خود نمایی نباشد یا طمع و وظیفه سلطان یا مال دیگران او را به تعلیم نداشته باشد، بلکه منظور او به غیر ارشاد و احیای دل‌های مرده و رسیدن به ثوابهای پروردگار چیزی نباشد" (نراقی، ۱۳۸۸: ۱۸۰).

به تعبیر نراقی سعادت حقیقی این است که انسان از نظر اخلاق فاضله و ملکات راسخ و اعمال و رفتارش به مقامی از معنویت و کمال برسد که هیچ عاملی نتواند ظاهر یا باطنش را تغییر دهد؛ در این راستا با توجه به نقش اهداف در جهتگیری و راهبرد برنامه‌های تربیتی، فاضل نراقی قرب الهی و سعادت را به عنوان هدف نهایی معرفی می‌کند (احمدآبادی آرانی و فرمهینی فراهانی، ۱۳۹۱).

۲- کسب معرفت‌های اخلاقی (اهداف واسطه‌ای)

نراقی برای دستیابی به هدف غایی، سلسله اهداف دیگری را نیز مطرح می‌کند که در حقیقت راه‌هایی برای تحصیل سعادت به‌شمار می‌آید. از نظر او در وجود انسان برخی ارزشهای اخلاقی نهفته است؛ یعنی به ارزشهای اخلاقی گرایش دارد؛ بنابراین انسان موجودی اخلاقی است. این اهداف از دیدگاه او همان پرورش و اصلاح تمام صفات و قوای انسانی است که در دو بعد علمی - معرفتی و عملی - رفتاری ظهور می‌کند.

تربیت اخلاقی، که با تعبیری چون تزکیه، تهذیب نفس، حکمت دینی در متون اسلامی از آن یاد شده است، یکی از برجسته ترین جلوه‌های نظام تربیتی نراقی است که خود برگرفته از قرآن کریم است. او در این باره بخوبی بر این نکته تأکید دارد: "کسانی که عمر خود را صرف تحصیل علم از طریق مجادلات کلامی و استدلالات فکری نموده‌اند و از تزکیه نفس از صفات ذمیمه غافل مانده اند بلکه دل‌های ایشان متعلق به قاذورات دنیای دنیه و نفوس ایشان منقاد قوه غضبیه و شهویه

است از حقیقت علم، بی‌خبر و سعی ایشان بی‌ثمر است و آنچه را تحصیل کرده اند و علم‌پندارند بر خلاف واقع است؛ زیرا که علم حقیقی را بهجت و سرور و صفا و نوری است و دلی را که نور علم واقعی در آن داخل شد، مستغرق لجه عظمت خداوند جلیل و محو مشاهده جمال جمیل می‌شود و التفات به غیر او نمی‌کند و نه همین است که صفات خبیثه و اخلاق رذیله، مانع از طلوع انوار علوم حقیقیه از مطلع فیوضات الهیه باشد و بس؛ بلکه بدون تزکیه نفس و تصفیه قلب، عبادات ظاهری را اثری و طاعات بدنی را ثمری نیست و چه فایده مترتب می‌شود بر آراستن ظاهر و کاستن باطن (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۰). از دیدگاه نراقی دستیابی به کمال سعادت یا سعادت مطلق در پرتو اصلاح دائمی تمام صفات و قوا میسر است؛ یعنی تمام صفات و رفتار نیکو و شایسته شود به گونه‌ای که حوادث و موقعیتهای گوناگون هم نتواند آنها را از بین ببرد. او در نظریات خود از "اخلاق" به عنوان طب روحانی تعبیر می‌کند و برای زمینه‌ها و عواملی که در تربیت اخلاقی مؤثر است، اهمیت بسیار قائل شده است و روشهای عملی و اخلاقی را برای رسیدن به سعادت و کمال نهایی عرضه می‌کند. "علم اخلاق شبیه به علم طب است بلکه طب حقیقی است؛ پس علم اخلاق نیز منقسم به دو قسمت می‌شود: یکی در کسب فضایل و دیگری در دفع رذایل و به جهت مشابهت این علم، این علم را طب روحانی گویند" (نراقی، ۱۳۸۸: ۵۶).

به نظر نراقی از مهمترین اهداف تربیت، تهذیب نفس از رذایل اخلاقی و اجتماعی که از هر چیزی ضروری‌تر و لازمتر است. "چون که شناختی که حیات ابد و سعادت سرمد از برای انسان موقوف است به دفع اخلاق ذمیمه و اوصاف رذیله و کسب ملکات ملکیه و صفات قدسیه و این میسر نمی‌شود مگر به شناختن رذائل صفات و فضائل ملکات و تمیز نیک و بد آنها از یکدیگر و دانستن معالجاتی که در علم اخلاق از برای تهذیب نفس معلوم می‌شود که شرف این علم از سایر علوم برتر و ثمر و فایده اش بیشتر است (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۳).

او در این زمینه اشاره می‌کند که حیات حقیقی انسان بر تهذیب اخلاق متوقف است که با روشهای درمانی پیش‌بینی شده هر فردی قابل تزکیه است. "از آنچه مذکور دانسته شد که فایده علم اخلاق، پاک ساختن نفس است از صفات رذیله و آراستن آن به ملکات جمیله که از آن به تهذیب اخلاق تعبیر می‌شود و ثمره تهذیب اخلاق، رسیدن به خیر و سعادت ابدیه است و باید دانست که سعادت مطلق حاصل نمی‌شود مگر اینکه صفحه نفس در جمیع اوقات از همه اخلاق ذمیمه معرا و به تمام اوصاف حسنه محلی باشد" (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۴). با عنایت به این مسائل می‌توان

به برخی از مهمترین اهداف اخلاقی تعلیم و تربیت از نظر او اشاره کرد: الف) شناخت نفس و توجه به کرامت آن ب) تهذیب نفس از رذایل و عاداتهای ناپسند ج) ترکیه نفس و آراستن آن به فضایل اخلاقی.

۳- پرورش عقل و تربیت و تفکر (اهداف واسطه ای)

یکی از روشهای رشد جنبه شناختی انسان، تفکر است. همانطور که نراقی یاد آور شده قرآن کریم بر تدبیر و تفکر و عبرت آمیزی تأکید کرده و اهل تفکر و تدبیر را ستوده و آنها را خردمند خوانده و درباره اهمیت این مقوله معتقد است: افکار و اندیشه‌ها از اموری است که در تعلیم و تربیت، نقش بسیار مؤثری دارد. افکار و اندیشه‌هایی که به موضوعات مطلوب و واقعی مربوط است و سیر منطقی را طی می‌کند و نتایج ذی‌قیمتی را به بار می‌آورد و فرد را به صحت راهی که می‌پیماید، مطمئن می‌سازد. اما بعضی از افکار و تصورات به امور بی‌ارزش مربوط است و فرد را به انحراف و فساد می‌کشاند و تصورات و آرزوهای دست‌نیافتنی که زندگی فرد را مختل می‌کند، همه اندیشه‌های منفی است که مانع تعلیم و تربیت صحیح می‌شود. نراقی بسیاری از رفتارهای نابهنجار و غیر اخلاقی را ناشی از عدم بینش صحیح در مسائل تربیتی می‌داند و اذعان می‌کند که با دادن بینش و شناخت درست می‌توان مرتب‌تری را تربیت، و اخلاق وی را اصلاح کرد و از وقوع مشکلات روانی، رفتارهای زشت و سرنوشت ناخوایسته جلوگیری کرد (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۶). عقلانیت و تفکر، که آثار و نظریات اخلاقی و تربیتی نراقی را در بر گرفته حاکی از سیر تربیت ایشان بر این هدف مهم تربیتی است. او در بیان فواید عقل‌گرایی به حدیث مشهور "العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان" (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳: ۱۷۰) استناد می‌کند و به بیان فواید بهره‌مندی از عقل در دستیابی به اهداف والای انسانی و به عنوان یکی از ابزار تمیز، تشخیص و راهیابی به حقیقت عالم و شناخت حقایق موجود در جهان آفرینش می‌پردازد. ایشان در مثنوی طاق‌دیس به اهمیت علم و ادراک آدمی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

علم چه بود فهم راه نیک و بد عقل چه بود اختیار نفس خود

(نراقی، ۱۳۶۲: ۱۴)

نراقی عقل را وسیله‌ای برای عبادت آگاهانه می‌داند و در کتاب شریف معراج السعاده این چنین اشاره می‌کند: "از آنجا که جامع همه عوالم و محل جمع آثار، انسان است که از میان جمیع مخلوقات، مخصوص شده است به قوای متخالفه و صفات متقابله و از این جهت است که مظهریت

اسمای متقابله الهیه به او اختصاص دارد و مرتبه قابلیت خلافت ربانیه به او تعلق گرفته و عمارت عالم صورت و معنی در خور اوست و خلعت سلطنت اقلیم غیب و شهود براننده قامت او، اگر چه مخصوصند به رتبه روحانیت ولی مبتهج و مسرورند به لذات عقلیه و انوار علمیه" (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۹). در حقیقت نراقی تقویت قوه عقلانی را در تحصیل سعادت و کمال حقیقی مؤثر می‌داند و با اذعان به عقل ورزی و تفکر محوری در زندگی انسان با زبان نظم می‌فرماید:

هر که را عقل و خرد انباز شد
بر رخس درهای شادی باز شد
هر که را در خرد اینها داده اند
هر چه او را داد باید داده اند

(نراقی، ۱۳۶۲: ۱۴)

بنابراین آنچه در تشریح جایگاه نظریه فلسفی و تربیتی او، آن را از موقعیت ممتازی برخوردار می‌سازد، توجه به عنصر شناخت و تکیه و اعتماد به عقل و استدلال است که آن را مقدمه مباحث تربیتی خود قرار می‌دهد.

اصول تعلیم و تربیت

در مورد اصول تعلیم و تربیت باید اذعان کرد که از دید معنا شناختی، فهم معنا و مفهوم تربیت بر دیگر بحثهای آن مقدم است؛ اما از لحاظ فلسفی و زیر ساخت اندیشه های تربیتی، چنین می‌نماید که هیچ بحثی به پای اصول نمی‌رسد. تأثیر و حضور اصول در تعلیم و تربیت، حتی از مبانی هم ملموستر است و بدون فهم و دریافت درست اصول در تربیت نمی‌توان ره به جایی برد (رفیعی، ۱۳۸۱: ۱۲۹). اهمیت اصول تعلیم و تربیت تا بدانجاست که برخی تربیت پژوهان، آموزش و پرورش را علم به اصول دانسته‌اند (هوشیار، ۱۳۴۷)؛ در این راستا مهمترین اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه نراقی به این شرح است:

۱- اصل کرامت ذاتی انسان

این اصل به جهان بینی الهی و رویکرد عرفانی فاضل نراقی در انسان شناسی مسبوق است. انسان در نگاه او پدیده ای است که در نهایت اتقان و حسن آفریده شده است. در این نگرش انسان، تنها آمیزه ای از عناصر اعتدال یافته نیست و گرچه کالبد، نمود عینی وجود اوست، حقیقتش روح اوست و آنچه به برتری انسان بر دیگر آفریدگان انجامیده، روح الهی اوست و خداوند خود انسان را به همین اعتبار شریف و کریم خوانده است. نراقی با توجه به این رویکرد در کتاب شریف مثنوی طاقدیس اشاره دارد:

جان علوی پر زند بر هم همی
سوی بالا بیند و گردن کشد

تا مگر پرد به بالاتر همی
بال و پر افشانند و بر خود تپد

(نراقی، ۱۳۶۲: ۷۷)

از نظر ایشان در اسلام شرافت و کرامت از حیثیات ذاتی انسان و از حقوق طبیعی اوست که چون حق حیات در همه حال با اوست و نباید از وی سلب شود؛ این اصل ناشی از انسان بودن آدمی است و ویژه کسی نیست. او در این باره می‌فرماید: "و از اینجا روشن می‌شود که جامع همه عوالم و محل جمع آثار، انسان است که از میان جمیع مخلوقات، مخصوص شده، و از این جهت است که مظهریت اسمای متقابل الهیه به او اختصاص دارد و مرتبه قابلیت خلافت ربانیه به او تعلق گرفته و عمارت عالم صورت و معنی در خور اوست و خلعت سلطنت اقلیم غیب و شهود براننده قامت او (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۹). اهمیت این اصل در تعلیم و تربیت اسلامی این است که می‌توان آن را زیر ساختی ترین اصل در آموزش و پرورش اسلامی دانست که خود سرچشمه بسیاری از دیگر اصول است. باور عمیق نراقی به اصل کرامت ذاتی انسان است که او را واداشته است گوهر کودک را پاک و نفیس بداند که به فطرت توحیدی زاده شده و کرامت اساس تربیت از نگاه اوست و بر این اساس است که احترام به حقوق افراد و رعایت جنبه‌های گوناگون حقوق انسانی را مطرح می‌کند.

۲- اصل تقدم تزکیه بر تعلیم

یکی از ریشه‌های اصلی بحران آموزشی در جهان کنونی، که دوره انفجار اطلاعات و روزگار آموزش و پرورش علمی است، ذبح اخلاق به پای علم از عصر نوزایی اروپا تا کنون است؛ فاجعه‌ای که امروز بیش از هر روزگاری خود را نموده، و ارکان تمدن را در سیاست، خانواده، فرهنگ و ارزشهای اخلاقی و... آموزش و پرورش متزلزل ساخته است. درست است که نراقی علم را می‌ستاید و برای عالمان رسالتی پیامبرگونه می‌شناسد؛ اما اخلاق در نظر او ارج و مرتبتی فراتر از دانش دارد و به اعتبار اخلاق است که عالمان را رسالتی است. تربیت اخلاقی که با تعابیری چون تزکیه، تهذیب نفس، حکمت دینی در متون اسلامی از آن یاد شده، یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های نظام تربیتی نراقی است و در این باره بروشنی بر این نکته تأکید دارد: "علم حقیقی را بهجت و سرور و صفا و نوری است و دلی را که نور علم واقعی در آن داخل شد، مستغرق لجه عظمت خداوند جلیل و محو مشاهده جمال جمیل می‌شود و التفات به غیر او نمی‌کند و نه همین است که

صفات خبیثه و اخلاق رذیله، مانع از طلوع انوار علوم حقیقیه از مطلع فیوضات الهیه باشد و بس؛ بلکه بدون تزکیه نفس و تصفیه قلب، عبادات ظاهریه را اثری و طاعات بدنیه را ثمری نیست و چه فایده مترتب می‌شود بر آراستن ظاهر و کاستن باطن (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۰). ایشان نه تنها بر لزوم تزکیه بر تعلیم باور دارد بلکه اصولاً حصول علم حقیقی را جز از تزکیه نفس محال می‌داند.

۳- اصل تفرد

آفرینش آدمی، چنان است که هر کس را می‌توان نسخه‌ای منحصر به فرد دانست. اصل تفرد و شایسته‌گزینی از مهمترین اصول تربیتی شناخته شده در روزگار ماست که مریبان بزرگ دو، سه قرن اخیر بر آن پای فشرده اند و اکنون به ظاهر در سراسر جهان بدان عمل می‌شود. در این راستا نراقی معتقد است: "... و بعد از آنکه ادب را به فرزند آموختی، ملاحظه کن که قابلیت و استعداد کدام علم و صنعت را دارد. سپس او را به آموختن آن بدار و نگذار که مشغول امری شود که استعداد ندارد تا عمر او ضایع نگردد" (نراقی، ۱۳۸۸: ۱۸۵). با توجه به اینکه استعداد و تواناییهای افراد یکسان نیست و هر کسی را برای کاری ساخته اند، ملا احمد نراقی در بیان راه‌های تربیت از راه ارزیابی استعداد و سنجش علاقه نوجوانان به این نکته تأکید می‌کند و مجبور کردن آنان را به کاری که بدان علاقه ندارند و برای آن شایسته نیستند، تباهی عمر می‌داند. در این باب علامه نراقی از ناهمسازی آدمیان در استعدادها و نهادهای سرشتی می‌گوید: هر کسی را ویژگیهایی است که در دیگران نیست و هر کس در جای خود ارزشمند است و خداوند کسی را به گزاف نیافریده است. انسان گذشته از ارزش نوعی، ارزش فردی هم دارد و به راستی ارزش فردی هر کس ملاک آدمیت اوست. هر کس به تنهایی گوهرهایی در درون نهفته دارد که باید کشف شود و به صیقل معجزه‌نمای تربیت پرداخت گردد (رضوی، ۱۳۸۱: ۳۳۶).

براین اساس است که نراقی اساس تفاوت در یادگیری و آموزش پذیری را تفاوت‌های فردی و نهادهای سرشتی هر کس می‌داند. بنابراین برای به بار نشستن تلاشهای آموزشی و پرورشی و تباه نشدن استعداد فراگیر بر مربی بصیر است که به فراگیر جز آنچه در خور فهم اوست، نیاموزد و به فراتر از آن روی کند، زیرا انگیزه او را سست، و ذهنش را آشفته می‌کند.

۴- اصل تدریج

تدریج، سنت و قانون الهی است. تکوین هستی و آفرینش انسان و تشریح شرایع، همگی بر اساس اصل تدریج است. مریبان بزرگ مسلمان، این اصل را در سیره تربیتی خود پاس داشته اند و

در نگاهشده‌های تربیتی آنها بارها مورد اشاره قرار گرفته است. در این راستا فاضل نراقی نسبت به اصل تدریج، رویکرد تربیتی دارد و در رویکرد خود از هماهنگی روند تربیت طبق رشد تدریجی متربی سخن گفته است: "بدان که از برای کسب فضائل صفات و محاسن ملکات، ترتیبی است لایق که تجاوز از آن نباید نمود و توضیح این کلام آن است که شکی نیست که هرچه از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر منتقل می‌شود، حرکت می‌کند از مرتبه اولی به ثانیه و حرکات و افعالی که هر چیز را از مرتبه نقص به کمال می‌رساند یا از قدرت و اختیار ما بیرون است و آن را حرکات طبیعی می‌گویند" (نراقی، ۱۳۸۸: ۵۵).

از نظر نراقی در تربیت باید به تدریجی بودن و نمود ویژگیها و توانمندیهای افراد توجه کرد و لازمه چنین تدریجی را لازمه حیات انسان می‌داند. ایشان در کتاب گرانسنگ معراج السعاده معتقد است: "در تعلیم به قدر فهم او اکتفا کند و چون او را سزاوار علمی داند از او مضایقه نکند و بخل نوزد (نراقی، ۱۳۸۸: ۸۲). نراقی علوم را دارای درجات و مراتب می‌داند و به فراگیران توصیه می‌کند که علوم را به ترتیب اهمیت بیاموزند و قاعده اهم و مهم را پاس دارند. او از معلمان می‌خواهد در فرایند آموزش به اصل تدریجی عمل کنند و قدرت فراگیری دانش آموزان را در نظر گیرند و از آموزش زود به هنگام و آنچه فراتر از درک اوست، خودداری ورزند و در آموزش و ارتقای درسی فراگیران این اصل را ملحوظ دارند. از نظر نراقی، دلیل این امر این است که "تعلیم و تربیت" هنر و صنعتی است که انسان را از نقص به کمال و از کمال به کمال بیشتر می‌برد. در این حرکت صناعی، تعلیم و تربیت، تابع حرکتی است که در طبیعت وجود دارد و حرکت طبیعی الگوی مناسبی برای حرکت صناعی است. همانندی حرکت صناعی با حرکت طبیعی حرکت صناعی را کارآمدتر می‌سازد..." (نراقی، ۱۳۸۸: ۵۶).

با توجه به این اصل وی معتقد است در تعلیم باید به قدر فهم شاگردان اکتفا شود و اگر شاگردان را سزاوار علمی داند از آموختن مطالب به شاگردان مضایقه نکند و معلم، دانش آموزی را که تشخیص داد برای فراگرفتن علم آمادگی دارد از آموختن به وی کوتاهی نکند و مطالب و مفاهیمی را که او درک نمی‌کند و قادر به فهم آن نیست به وی آموزش ندهد.

۵- اصل فعالیت

فاضل نراقی به تبع این اصل بر شیوه کسب دانش و بر فهم آگاهانه مسائل تأکید دارد و معتقد است دانشجو نباید کورکورانه به درس بنشیند؛ بلکه باید بفهمد آغاز و پایان و فایده مسئله و تاریخ

آن چیست؟

ایشان در کتاب مثنوی طاقدیس با زبان نظم اشاره به این موضوع اشاره می‌کند:

زان قضیه هیچ نه آگاهی	نی مقدم دانی و نی تالیش
گر نه اصل آن از او پرسى به جد	یا عنودی خواندت یا مستبد
منشأ آن را نداند از چه خواست	مبدأش چه منتهای آن کجاست؟
چون قضایایش نبود از اجتهاد	آن نتایج جمله از تقلید باد
پس بود تقلید سر علم او	کی زگره شیر زاید ای عمو

(نراقی، ۱۳۶۲: ۱۴۵)

از نظر او فراگیر باید در فرایند یادگیری شرکت فعال کند و از حالت انفعال درآید؛ یعنی با نظارت و اشراف معلم از آنچه آموخته است به آنچه باید بیاموزد برسد و یا دست کم در روند دستیابی بدان به خود پویایی نسبی برسد و خود به فهم مطلب نزدیک شود و در نتیجه به دگرگونی ساختار شخصیتی او انجامد و تنها در این صورت است که می‌توان گفت نظام آموزشی در تحقق روح آموزشی مؤثر بوده است. ایشان با توجه به این اصل با زبانی شیوا به این نکته اشاره دارد:

هررهی کاید به منزل عاقبت	سوی مقصد باشد آن را خاتمت
کثری و دوری و دشواری آن	نزد آخر بین بود سهل ای فلان
هم خطایی هم که در ره افتاد	بود سعی و بذل و جهد و اجتهاد

(نراقی، ۱۳۶۲: ۲۰۶)

به نظر ملا احمد، کسانی که سالهای بسیاری در مدرسه مانده، و به جایی نرسیده‌اند، رمز آنان نه این است که استاد کمتر دیده‌اند؛ بلکه عقب ماندگی آنان بر اثر بی توجهی به نیروی فکر و اندیشه بوده است. آنان به جای مطالعه و پژوهش و فهم مطلب، سالها در پی استاد دویده و دفترها از تقریرات درسی انباشته بودند ولی مجالی برای تجزیه و تحلیل آموخته‌ها برای خود فراهم نکردند. از نظر نراقی اندیشه ورزی راه اساسی دستیابی به مطالب مشکل علمی است که در سایه تفکر و تدبیر دانش قوام می‌گیرد و آدمی با تجزیه و تحلیل آموزه‌ها آن را هضم می‌کند و در گنجینه حافظه می‌سپارد. او افزون بر استاد راهنما و متون درسی، متعلمان را به اندیشه ورزی و مطالعه آموزه‌ها فرا می‌خواند تا آنان در سایه تفکر، حصار تقلید را بشکنند و نوآوری کنند (رضوی، ۱۳۸۱).

با اذعان به این مبحث، رعایت این اصل به پویایی علمی فراگیر می‌انجامد و توجه عمیق او را به

موضوع آموزش بر می‌انگیزد و در او اعتماد به نفس و شجاعت علمی می‌آفریند. اعمال اصل فعالیت در فهم درست مطالب بسیار موثر است و امروزه از این اصل به آموزش چگونه‌آموزی و گاه آموزش به طریق فعال^۱ و نیز روش حل مسئله تعبیر می‌شود.

روشهای تعلیم و تربیت

روشهای آموزشی و تربیتی از جمله مسائلی است که نراقی به آن زیاد توجه کرده است و دلیل گستردگی این مبحث در کلام این اندیشمند این است که تعلیم و تربیت، سراسر زندگی انسان را شامل می‌شود و محور آن، روشها و راهکارهایی است که راه رسیدن به اهداف تربیتی را میسر می‌سازد. روشمندی از نظر او زمینه‌های موفقیت در تحصیل را فراهم می‌کند. از مهمترین روشهای تربیتی که علامه نراقی به آن اشاره کرده عبارت است از:

۱- روش تلقین به حفظیات و تمرین و تکرار

فاضل نراقی در ابتدای دوران آموزش علمی به کودکان بر استفاده از این روش آموزشی تأکید می‌کند: "سزاوار آن است که طفل را در ابتدای تمیز و ادراک، تلقین به ترجمه عقاید مذکوره نمایند تا آنها را حفظ کند و بر صفحه خاطر نقش نماید و بتدریج معانی آنها را تعلیم نمایند تا معانی آنها را بفهمد و سبب نشو و نمای او بر این "رسوخی" در قلب حاصل شود و از برای او اعتقاد به هم می‌رسد. اگر چه هیچ دلیل و برهانی از برای او نباشد و این از فضلهای غیر متناهی الهیه است که در ابتدای نشو، دل انسان را محل ایمان می‌کند بی دلیل و برهان (نراقی، ۱۳۸۸: ۸۸). از نظر او، آدمی بغایت تربیت پذیر است و کار تربیتی را باید از همان بدو تولد آغاز کرد. وی بر این اساس معتقد است: "هر نفسی در مبادی آفرینش و در آغاز طفولیت از جمیع صفات و ملکات خالی است و مانند صفحه که ساده از نقش و صورت باشد، حصول ملکات و تحقق آن به واسطه تکرار اعمال مقتضیه آنهاست و هر عملی که یک مرتبه سر زد، اثری از آن در درون حاصل و در مرتبه دوم آن اثر بیشتر می‌شود تا بعد از تکرار عمل، اثر آن مستحکم تر گردد و ملکه راسخه می‌شود... و همین است سبب در سهولت تعلیم اطفال و تأدیب ایشان و صعوبت تغییر اخلاق مشایخ و پیران" (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۲ و ۳۳).

نراقی با توجه به این روش اذعان می‌کند که کودک از طریق تکرار رفتار پسندیده، اندک

1 - active

اندک به آن عادت می‌کند و آن عمل ملکه راسخ جان او می‌شود که از این طریق می‌توان بتدریج، صفات پسندیده در او را به وجود آورد. سپس بر اثر استفاه از این روش، آدمی تأثیری از آن به خود می‌گیرد که تأثیرات آن بمراتب بر اساس مرور زمان افزونتر و پایدارتر می‌گردد. از این رو این روش را به عنوان یک روش آموزشی و تربیتی مناسب عنوان می‌کند.

باری از نظر او تلقین به حفظیات و تمرین و تکرار روشی مناسب برای به یاد سپردن مطالب و دستیابی به ملکه شناختی و ذهنی است که قبل از رسیدن به بلوغ عقلی و قوه تمیز و ادراک و به بیان امروزی تفکر انتزاعی، می‌باید مفاهیم و اصول اولیه را به کودک القا کرد تا با کاربرد این روش حافظه کودک تقویت شود (حسنی، ۱۳۷۴).

۲- روش مباحثه و گفتگوی علمی

نراقی درباره روش مباحثه معتقد بود که دانش آموزان باید در جریان یادگیری به صورت گروهی کار کنند تا قدرت تفکر و استدلال در آنها تقویت شود و بحثهای گروهی به عنوان یک روش حاکم بر تعلیم و تربیت قلمداد شود. نراقی به این توجه دارد که در مباحث گروهی آزادی اندیشه و نوآوریها است که سبب رشد علم و فرهنگ می‌شود و این کار از نقد و نظر و مناظره جدا نیست و معتقد است که نقد باید بر مدارا و آهستگی و ادب مبتنی باشد و افراد گروه هم نسبت به نظر دیگران بردبار باشند. افراد گروه اگر پس از سعی و تلاش، سخنی را ناصواب یافتند به نیکویی نادرستی آنها را برای یکدیگر اثبات کنند (رضوی، ۱۳۸۱: ۳۳۸).

ایشان در کتاب مثنوی طاقدیس با ظرافت به این نکته اشاره می‌کنند:

هیچ منزل دانی اندر راه نیست	ور بود غیر از هلاک جاه نیست
بر تو باشد جان من ارشاد او	هین فراموشت مبادا یاد او
پس غرض از آنچه گفتم ای رفیق	زاختلاف مقصد و فرق طریق
در ثواب آنکه افتد در خطا	وز نکردن طعن کس در ابتدا
این بود ای داده بر گفتار گوش	کز بقا آغاز بر هر کس مجوش
هر رهی کاید به منزل عاقبت	سوی مقصد باشد آن را خاتمت
کثری و دوری و دشواری آن	نزد آخر بین بود سهل ای فلان
هم خطایی هر که در ره افتاد	بود سعی و بذل و جهد و اجتهاد

(نراقی، ۱۳۶۲: ۲۰۶)

ایشان با توجه به این روش به قدرت نیروی اندیشه تأکید می‌کند: "شکی نیست که حصول ملکه اجتهاد و فهم آیات و اخبار و کلمات علمای ابرار، موقوف است به تکمیل قوه نظریه و تشحیذ ذهن و خاطر و این امور موجب ازدیاد قوه و نظریه تشحیذ ذهن می‌شود؛ پس تأمل در این امور از ابتدا از طالب فی الجمله مطلوب و سعی در آنها مرغوب است و بسا باشد که لازم باشد، بلکه مقصود آن است که در این امور به قدر ضرورت اکتفا کند؛ پس اگر تا ممکن باشد تشحیذ ذهن مطلوب و تقویت قوه نظر و مستحسن باشد، باید آدمی همه عمر خود را صرف آن کند" (نراقی، ۱۳۸۸: ۶۰).

بنابراین در نهایت آنچه از نظر او حایز اهمیت است، داد و ستد های علمی از راه های کسب دانش و روشن شدن حقایق است که به گفتگوهای چند جانبه و مکاتبه های علمی منجر می‌شود که از نظریات یکدیگر سود برند و اشتباهات علمی همدیگر را تحلیل کنند.

۳- روش محبت ورزی

از نیکوترین و اساسی ترین روشهای تربیت، روش محبت است که بیشترین تناسب را با فطرت آدمی و سرشت انسانی دارد. نیروی محبت در تربیت نیروی برانگیزاننده و تحول آفرین است و اگر به اعتدال به کار گرفته شود، تأثیر شگفت انگیزی در نزهت آدمی و تحقق کمال او دارد. او در این باره اذعان می‌کند: "بدان که هم چنانکه قدمای اهل حکمت تصریح کرده اند قوام همه موجودات به محبت منوط و انتظام سلسله ممکنات بدان مربوط است ... و مخفی نماند که اکثر اقسام محبت که مذکور شد، فطری و طبیعی است و به اختیار آدمی نیست و احتیاج به کسب و تحصیل ندارد؛ مثل محبت دو نفر که میان ایشان مناسب است و محبت علت و معلول و صانع و مصنوع و عکس آن و محبت جمال و کمال و محبت خود و غیر اینها؛ پس هر که در این اقسام محبت، ناقص باشد به همان قدر فطرت او معیوب و جبلت او فاسد است و محبت اختیار و کسب کم و نادر است؛ مثل محبت به احسان و انعام و بعضی محبت معلم و متعلم را کسبی گرفته اند و فی الحقیقه آن نیز راجع به فطری و طبیعی است و بعد از آنکه محبت طبیعی شد، اتحادی که میان محب و محبوب است و از مقتضیات محبت است نیز طبیعی خواهد بود" (نراقی، ۱۳۸۸: ۵۷۰). بر اساس این روش در تعلیم و تربیت "معلم باید بر متعلم مهربان و مشفق باشد و خیر خواهی او را ملاحظه نماید و او را نصیحتهای مشفقانه گوید و با نرمی و گشاده رویی با او سخن گوید و درستی و غلظت با او نکند" (نراقی، ۱۳۸۸: ۸۲).

از نظر ایشان، مربی از طریق شناخت و محبت متربی به خود، می‌تواند عرفان و محبت خدا را در دل او پرورش دهد و مربی با تشریح درست و دادن شناخت واقع بینانه به متربی، محبت او را در دلش می‌پروراند که می‌تواند رابطه بین خود و متربی را محکمتر سازد؛ هم‌چنین مربی با فراهم آوردن زمینه انس و الفت اجتماعی و تشریح رابطه عاطفی، می‌تواند متربیان را پرورش دهد؛ چون انسان به صورت فطری و نه به دلیل جذب سود و یا دفع زیان، انس و الفت با دیگری را دوست دارد و افراد به صورت طبیعی به یکدیگر گرایش دارند و از با هم بودن لذت می‌برند (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۶).

بنابراین معلم می‌تواند با استفاده از این روش، انگیزه را در دانش‌آموزان ایجاد و تقویت کند و به صورت مؤثرتری در تربیت و پرورش دانش‌آموزان مفید واقع شود.

۴- روش الگویی (اسوه ای)

تأثیرگذاری رفتار والدین، معلمان و مربیان بر کودکان انکارناپذیر است؛ زیرا شخصیت کودکان در سالهای نخست زندگی بر پایه و اساس اسوه‌پذیری و الگوگیری از والدین، معلمان و مربیان ساخته و پرداخته می‌شود و چون بزرگتر شوند از دوستان خود و شخصیت‌های اجتماعی، فرهنگی الگو می‌گیرند. به همین دلیل روش الگویی نافذترین و مؤثرترین روش تربیتی است و والدین و معلمان و مربیان و شخصیتها باید بکوشند با رفتار مطلوب و سازنده خویش عملاً کودکان و متربیان را تربیت کنند. علامه نراقی با استفاده از آیات قرآن "لقد کان فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا" (احزاب/۲۱) و روایات پیشوایان دین بر این شیوه کاربردی در تربیت تأکید می‌کند و چنین می‌نویسد: "فرزندان از والدین تأثیر پذیرند؛ از این رو همواره دین و مذهب و اخلاق و گرایشهای والدین را می‌پذیرند" (نراقی، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

از نظر نراقی، عالمان به این دلیل که بر دانش‌پژوهان تأثیر گذارند و برای آنان الگو و اسوه مناسب به شمار می‌آیند، باید به علم خود عمل کنند و در تربیت نفس خویش بکوشند و الگو سازی کنند و ثمره علم خود را نشان دهند. ایشان در این باره به این نکته اشاره می‌کند "معلم پدر معنوی و والد روحانی اوست و حقوق او از سایر آبا بیشتر است" (نراقی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). به نظر نراقی، اسوه‌سازی و اسوه‌پذیری باید در تمام عرصه‌ها و در تمام برخوردها و در تمام موقعیتهای مورد توجه قرار گیرد و همه افراد جامعه بویژه والدین، معلمان و مربیان با رفتار سازنده و مطلوب خویش در اسوه‌سازی مطلوب گام بردارند و در سلامت و تکامل و تعالی افراد جامعه کوشا باشند

و صفات نیکو و رفتار پسندیده را در جامعه حاکم سازند و به دانش پژوهان نیز تأکید می کند که نسبت به علما و دانشمندان ادب نگاه دارند خصوصاً علمایی که از خرمن علم آنها خوشه چینی کرده اند. بنابراین به دلیل نیاز انسان به الگو و همانند سازی در تربیت، لازم است الگوهای والا بدرستی معرفی شوند تا انسان با بینشی روشن مصداق کمال حقیقی را تشخیص دهد و به الگو گیری و اسوه پذیری بپردازد (حسنی، ۱۳۷۴).

بحث و نتیجه گیری

با عنایت به مطالب ذکر شده نتایج این پژوهش دلالت دارد بر اینکه از نظر فاضل نراقی، تعلیم و تربیت اهمیت ویژه ای در زندگانی انسان دارد. در این راستا نراقی برای دستیابی به هدف غایی تربیت اهدافی را مطرح می کند؛ از جمله کسب معرفت‌های اخلاقی و پرورش عقل و ورزی و تفکر را به عنوان اهداف واسطه ای اشاره می کند که باید در رسیدن به هدف نهایی (سعادت و کمال انسان) مدنظر قرار گیرد. با اذعان به اینکه از لحاظ فلسفی و زیر ساخت اندیشه‌های تربیتی، چنین می نماید که هیچ بحثی به پای اصول نمی رسد و تأثیر و حضور اصول در تعلیم و تربیت، حتی از مبانی هم ملموس تر است و بدون فهم و دریافت درست اصول در تربیت نمی توان ره به جایی برد بر این اساس اصول تربیتی پذیرفته علامه نراقی شامل اصل کرامت نفس است. اهمیت این اصل در تعلیم و تربیت به این حد است که می توان آن را زیر ساختی ترین اصل در آموزش و پرورش اسلامی دانست که خود سرچشمه بسیاری از دیگر اصول است؛ هم چنین ایشان در مبحث اصول نه تنها بر لزوم تقدم تزکیه بر تعلیم باور دارد بلکه اصولاً حصول علم حقیقی را جز از تزکیه نفس محال می داند. اصل تفرد و شایسته گزینی از اصول شناخته شده نراقی است که در تربیت باید به نمود ویژگیها و توانمندیهای افراد توجه ویژه شود؛ هم چنین بر اساس اصل فعالیت، فراگیر باید در فرایند یادگیری شرکت فعال کند و از حالت انفعال درآید تا به خود پویایی نسبی و در نتیجه به دگرگونی ساختار شخصیتی او انجامد. با توجه به اینکه محور روشهای تربیتی باید طوری سازماندهی شود تا راه رسیدن به اهداف تربیتی را میسر سازد، ایشان در مبحث تحلیل روشهای تربیتی به روش تلقین به حفظیات و تمرین و تکرار اشاره دارند و این روش را مناسب برای به یاد سپردن مطالب و دستیابی به ملکه شناختی و ذهنی می داند که قبل از رسیدن به بلوغ عقلی و قوه

تمیز و ادراک و به بیان امروزی تفکر انتزاعی مد نظر قرار گیرد. علامه نراقی در مباحث گفتگوی علمی و مباحثه هم معتقد است که این روش سبب آزادی اندیشه و نوآوریها و رشد علم و فرهنگ می‌شود. در روش محبت ورزی در تربیت هم تأکید می‌کند که مربی با فراهم آوردن زمینه انس و الفت اجتماعی و تشریح رابطه عاطفی، می‌تواند متریان را پرورش دهد و انگیزه در دانش آموزان را تقویت کند. روش الگویی از نافذترین و مؤثرترین روش تربیتی است که باید والدین و معلمان و... بکوشند تا با رفتار مطلوب و سازنده خویش عملاً کودکان و متریان را تربیت کنند. بنابراین با توجه به آنچه آمد از دیدگاه نراقی، تقرب به خداوند و تحصیل رضایت او برترین کمال متصور برای انسان، و آن هدف آرمانی است که همه دستگاه و سامانه وجودی انسان برای طی مدارج آن باید تعدیل و تنظیم گردد و انفکاک ارزشهای معنوی و اخلاقی از فرایندهای تربیتی ممکن نیست. از این رو ضروری است که تعلیم و تربیت با محاسبه و برنامه ریزی دقیق و با مطالعه اهداف و اصول و روشهای تربیتی پی ریزی شود.

منابع

قرآن کریم.

احمدآبادی آرانی، نجمه؛ فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۹۱). انسان شناسی از منظر نراقی و یاسپرس. *مجله علمی - پژوهشی انسان شناسی*. ش ۱۶.

استادی، رضا (۱۳۸۷). *شرح احوال و آثار ملا مهدی نراقی و ملا احمد نراقی*. قم: انتشارات برگزیده. بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی نقی؛ ابوجعفری، مهدی (۱۳۸۶). *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*. ج چهارم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

حسنی، محمد (۱۳۷۴). *مروری بر زندگی، آثار و آرای تربیتی ملا احمد نراقی*. *مجله تربیت*. س ۱۱. ش ۳۳. حکیم، حسین (۱۳۸۱). *سیر زندگی فقهی - فرهنگی ملا احمد نراقی*. مجموعه مقاله‌های کنگره فاضلین نراقی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

جلالی، محمد رضا (۱۳۸۱). *معراج السعاده در آینه تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت*. *مجله کتاب ماه و دین*. ش ۵۳.

جمالی، محمود (۱۳۸۸). *تحلیل و تبیین آرای تربیتی ملا احمد نراقی و مقایسه آن با دیدگاه جان دیویی*. *مجله علمی - پژوهشی معرفت*. ش ۱۴۱.

صالحی، اکبر؛ یار احمدی، مصطفی (۱۳۸۷). *تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی*. *فصلنامه تربیت اسلامی*. س ۳. ش ۷: ۲۳-۵۰.

رسولی، محمد حسین (۱۳۸۱). زندگینامه ملا احمد نراقی. مجموعه مقاله‌های کنگره فاضلین نراقی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

رضوی، عباس (۱۳۸۱). مروری بر سیره آموزشی و تبلیغی مدرسه نراقی. مجموعه مقاله‌های کنگره فاضلین نراقی. قم: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رفیعی، بهروز (۱۳۸۱). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. ج سوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

عاشوری لنگرودی، حسن (۱۳۸۱). نفس و انسان شناسی از منظر فاضلین نراقی. نشریه پیام حوزه. ش ۳۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: موسسه الوفاء.

مولفی الامیه، قسم موسوعه (۱۳۷۹). احمد بن محمد مهدی النراقی الکاشانی. مجله الفکر الاسلامیه. العدد ۲۳. نراقی، احمد (۱۳۶۲). مثنوی طاق‌دیس. ترجمه حسن نراقی. تهران: انتشارات امیر کبیر.

نراقی، احمد (۱۳۸۸). معراج السعاده. تهران: انتشارات زهیر.

هورشیار، محمد باقر (۱۳۴۷). اصول آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امیرکبیر.

